

Providing indicators of planning of military centers and bases; case study: Kermanshah province

ABSTRACT

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

¹ Ahmad Tayebi Safa, Ph.D.

² Ezatullah Ezzati, Ph.D.*

³ Farhad Hamze, Ph.D.

¹ PhD student in Political Geography, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

² Professor, Department of Geography, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

³ Professor, Department of Geography, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Correspondence*

Address: Department of Political Geography, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
Email: e.ezati@yahoo.com

Article History

Received: 02 January 2022

Accepted: 1 March 2022

Land use planning, classification of human activity in geographical space, is a thinking that considers all aspects of a country's development, and is a strategic planning and a purely geographical solution for the sustainable development of countries. This issue is more important for Kermanshah province which is neighboring with Iraq, because the existence of a wide range of potential and actual threats in both Iraq and the Kurdistan region have led the implementation of any plan to be corresponded with the analysis of the security situation around the border. Achieving this requires recognizing geostrategic features, analyzing the environment, categorizing the types of threats and identifying their source and origin. This article also serves this purpose, namely presentation of indicators of military centers and bases in Kermanshah province using descriptive-analytic method. The data collection tool is based on documentary and library findings. For this purpose, the required data were collected from documents and written sources and content analysis method is used to analyze the data. The results showed that the arrangement of military centers and bases in Kermanshah province is not very comprehensive and efficient, and it has a traditional approach and has been done regardless of natural and human indicators and threat points, so it has little effect on the effectiveness of projects, decrease in vulnerabilities and increase in defensive capabilities. Also, it is faced with ignoring internal and external threats, unbalanced spatial organization in the manner of establishing and locating military centers, excessive concentration of political, administrative, demographic places and centers, important industries and facilities in the center of Kermanshah province, etc.

Keywords: Planning, Threats, Military Centers, Kermanshah Province.

ارائه شاخص‌های آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی؛ مطالعه موردی: استان کرمانشاه

احمد طیبی صفا Ph.D.

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

عزت‌الله عزتی* Ph.D.

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

فرهاد حمزه Ph.D.

استادیار جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

آمایش سرزمین؛ طبقه‌بندی فعالیت انسان در فضای جغرافیایی است تفکری است که تمامی جنبه‌های توسعه یک کشور را مدنظر قرار می‌دهد، یک برنامه‌ریزی استراتژیک و راهکار کاملاً جغرافیایی برای توسعه پایدار کشورها است. اهمیت این موضوع برای استان کرمانشاه در همسایگی کشور عراق بیشتر می‌باشد زیرا وجود طیف گسترده‌ای از تهدیدات بالقوه و بالفعل در دو کانون عراق و اقلیم کردستان سبب شده اجرای هرگونه طرح آمایشی با تحلیل اوضاع امنیتی پیرامون مرز همراه باشد. تحقق این امر، نیازمند شناخت امکانات ژئواستراتژیکی، تحلیل محیط پیرامونی، دسته بندی انواع تهدیدات و شناسایی منبع و منشا آن‌ها است. این مقاله نیز با این هدف یعنی ارائه شاخص‌های آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی استان کرمانشاه و با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و بدین منظور داده‌های موردنیاز در محدوده موردنظر از اسناد و منابع مکتوب گردآوری شدند، روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز به صورت تحلیل محتوی بوده است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی در استان کرمانشاه خیلی جامع و کارآمد نیست، دارای رویکرد سنتی است و بدون توجه به شاخص‌های طبیعی، انسانی و مبادی تهدید انجام گرفته است لذا تاثیر چندانی در اثربخشی طرح‌ها، کاهش آسیب پذیری‌ها و افزایش قابلیت‌های دفاعی نخواهند داشت و با مسائلی همچون بی‌توجهی به تهدیدات داخلی و خارجی، ساماندهی نامتعادل فضایی در نحوه استقرار و مکان‌یابی مراکز نظامی، تمرکز بیش از حد اماکن و مراکز سیاسی، اداری، جمعیتی، صنایع و تاسیسات مهم در مرکز استان کرمانشاه و... مواجه است.

کلمات کلیدی: آمایش، تهدیدات، مراکز نظامی، استان کرمانشاه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

نویسنده مسئول: e.ezati@yahoo.com

مقدمه

امروزه در برابر تهدیدات نوین باید دفاع متناسب با همان تهدید را در دستور کار قرار داد بنابراین با شناسایی دقیق تهدیدات و ارزیابی آن‌ها می‌توان راهبردهای خاصی برای مقابله با تهدیدات ارائه داد لذا شناسایی ماهیت و جنس تهدید، شناخت حوزه‌های تهدید و بررسی محیط داخلی و خارجی می‌تواند یک کشور را به سوی پایداری ملی و کاهش آسیب پذیری‌ها رهنمون نماید. تاکنون در طرح‌های آمایش ایران دیدگاه‌ها به‌طور عمده بر امر توسعه تاکید داشته و از توجه به ارائه طرح‌هایی در جهت دفاع سرزمینی و حفاظت از مراکز و تاسیسات حیاتی، حساس و مهم در مقابل تهدیدات و حملات نظامی غفلت شده است [۱۶]. به‌طور اساسی تاکنون در طرح‌های آمایشی به مقوله ایمنی کم‌وبیش توجه شده است و دفاع و امنیت به دلایل مختلف مورد توجه قرار نگرفته است [۹] درحالی‌که براساس ماده ۱ مصوبه هیئت‌وزیران در جلسه مورخه ۱۳۸۳/۸/۶ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی ج.ا.ایران "ملاحظات امنیتی و دفاعی، وحدت و یکپارچگی سرزمین و تعادل منطقه‌ای" از مهم‌ترین اصول مصوب آمایش سرزمین است [۱۷] اما متأسفانه علیرغم اهمیت و حساسیت موضوع، در تاریخ برنامه ریزی آمایش سرزمین ملاحظات محیطی و دفاعی در حاشیه قرار گرفته و مورد توجه جدی واقع نشده است [۱۱]. تحلیل تهدیدات نظامی-امنیتی در چارچوب برنامه‌های آمایش، مستلزم شناخت انواع تهدیدات، منبع و منشا تهدید، مناطق مورد تهدید و سرانجام ارائه راه‌کارهایی برای مقابله با تهدیدات است که در این میان استان‌ها و مناطق مرزی به دلیل ویژگی تماس با محیط خارجی، همواره در معرض انواع تهدیدات قرار دارند. این ویژگی مناطق مرزی را در برابر تهدیدات خارجی آسیب پذیرمی‌کند [۱۸]. در این میان استان کرمانشاه به دلیل قرار گرفتن در یک فضای استراتژیک ناامن و محیط امنیتی چالشی به‌طور ذاتی جزو مناطق پرتهدید محسوب می‌شود لذا از جایگاه مهمی در کشور برخوردار است همچنین جنگ و محرومیت‌های مزمن اقتصادی-اجتماعی بر نظام اسکان، فعالیت‌ها و رفتارهای جمعیتی آن اثرات خاص و متمایزی گذاشته و سبب عدم توسعه یافتگی آن در طول زمان و نزول قابل‌توجه شاخص‌های توسعه انسانی در مقایسه با سایر استان‌های کشور شده که پیامد اصلی آن، افزایش روزافزون بیکاری و مهاجر فرستی است [۱۱]. بنابراین تلاش در جهت ساماندهی منطقی فضای جغرافیایی به لحاظ دفاعی-امنیتی و جانمایی مناسب مراکز و استقرارگاه‌های نظامی براساس اصول آمایش سرزمین از جمله موضوعاتی است که این مقاله به دنبال بررسی و رفع آن‌ها است.

روش‌شناسی تحقیق

از آنجاکه مقاله به ارائه شاخص‌های آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی در استان کرمانشاه می‌پردازد، از نظر هدف کاربردی بوده و با توجه به اینکه روش خاصی برای شناسایی نقاط بهینه و مکان‌گزینی مراکز نظامی به‌کار برده است، توسعه‌ای تلقی می‌شود. از منظر روش، از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی است که ابزار گردآوری داده‌ها به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز به‌صورت تحلیل محتوی صورت گرفته است. سوال اصلی تحقیق این است که مهمترین شاخص‌ها در آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی استان کرمانشاه چیست؟

مبانی نظری

آمایش دفاعی

آمایش از نظر لغوی به معنای آراستن و زینت دادن می‌باشد و آمایش دفاعی؛ سازمان‌دهی مناسب اماکن و فعالیت‌های نظامی به‌منظور بهره‌برداری صحیح و منطقی از توان و استعدادهاى نظامی جهت نیل به اهداف دفاعی است که برای رسیدن به این اهداف، مطالعه پارامترهایی مانند: ۱. پناهگاه‌های طبیعی و فیزیکی زمین ۲. مکان‌یابی اماکن موقت و دائمی اعم از نظامی و پشتیبانی و ۳. مکان‌یابی امکانات و تاسیسات زیربنایی و اقتصادی لازم و ضروری است [۴]. لذا داشتن رویکرد آمایشی به سازمان دفاعی یک کشور موجب می‌شود سازمان فضایی نیروهای مسلح به‌گونه‌ای در فضا استقرار یابد که حداکثر توان و قابلیت دفاعی را برای یک کشور فراهم آورد. در ایران هرچند در فرایند مکان‌یابی مراکز و استقرارگاه‌های نظامی عوامل ویژه‌ای دخالت داشته‌اند ولی از یک الگوی نظری سامانمند تبعیت ننموده‌اند [۱۱]. به‌طور کلی با توجه به آن چه گفته شد آمایش دفاعی و امنیتی، ساماندهی محیط جغرافیایی کشور و توزیع مناسب یگان‌ها و امکانات با توجه به تهدیدات و استفاده بهینه از قابلیت‌های محیطی به‌منظور ایجاد ثبات و بازدارندگی در مقابل تهدیدات تعریف شده است اما آنچه مهم است این است که اگر امنیت انسان و فعالیت‌های او در آمایش سرزمین مورد توجه قرار نگیرد ناپایداری و بی‌ثباتی که اصلی‌ترین تهدیدات فیزیکی و عملکردی فضا محسوب می‌شوند در کنار عدم رعایت عوامل دفاعی و ایمنی در مکان‌یابی‌ها و... موجب آسیب‌پذیری قابل توجه شهرها، صنایع، سدها، مراکز نظامی و زیرساخت‌های کلیدی می‌شود لذا موارد ذیل باید مورد توجه قرار گیرد: ۱. ایجاد هرگونه سکونتگاه و شهر جدید باید با بررسی نوع و میزان تهدیدات صورت گیرد. ۲. توجه به این مسئله که ساخت‌وسازهای راهبردی با چه درجه‌ای

از استحکام ساخته می‌شود و ۳. در طراحی و مکان‌یابی مراکز و استقرارگاه‌های نظامی حداکثر استفاده از عوارض طبیعی و محیطی لحاظ شود [۲۱].

تئوری پنج حلقه‌ای واردن

جان واردن در سال ۱۹۸۸ میلادی کتاب نبرد هوایی را تدوین کرد، وی به‌عنوان مشاور نظامی امنیت ملی آمریکا، نظریه خود را که به تئوری پنج حلقه واردن مشهور است به پنتاگون و فرمانده نظامی آن‌وقت، ژنرال نورمن شوارتز کف و کولین پاول ارائه داد و مورد قبول واقع شد. استراتژی واردن مبتنی بر پنج حلقه مرکزی است که به‌صورت دوایری با مرکزیت واحدی قرار دارند و در مجموع سامانه و ساختار قدرت یک کشور را تشکیل می‌دهند. این تئوری همان‌گونه که از اسم آن برمی‌آید دارای پنج حلقه است که این حلقه‌ها ساختارهای اصلی قدرت یک کشور را تشکیل می‌دهند و به ترتیب عبارتند از:

۱. رهبر ملی که نقش مغز را در دفاع غیرعامل بازی می‌کند و با انهدام آن تصمیم‌گیری‌های کلان مدیریت استراتژیک با چالش مواجه می‌شود؛

۲. محصولات کلیدی که نقش جریان خون و دستگاه هاضمه بدن را ایفا می‌کنند که با انهدام آن‌ها فعالیت سایر دستگاه‌ها و زیرساخت‌ها مختل می‌شود. مانند: تاسیسات برق، پالایشگاه‌ها، مخازن سوخت، نیروگاه‌های هسته‌ای، شبکه آبرسانی، سردخانه‌ها، انبارهای عمده مواد غذایی و...؛

۳. زیرساخت‌های حمل‌ونقل یا زیرساخت‌های مواصلاتی که نقش دستگاه‌های حرکتی در بدن انسان را ایفا می‌کنند و با انهدام آن‌ها سامانه‌های حمل‌ونقل مختل می‌شوند. مانند: فرودگاه‌ها، راه‌آهن، بندرها، پل‌ها، شبکه‌های مخابراتی و... [۲۱]؛

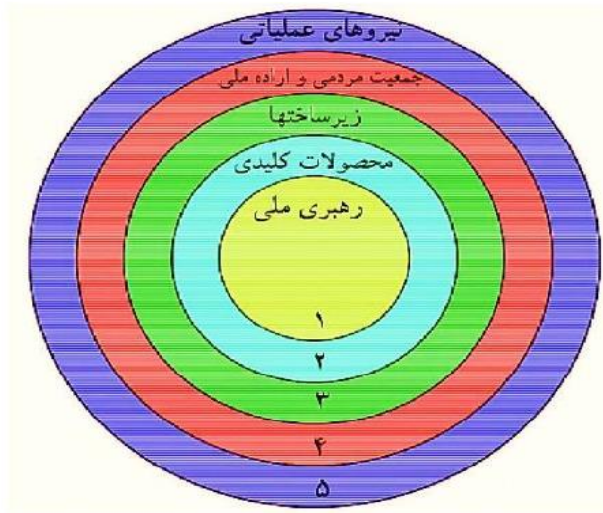
۴. جمعیت مردمی و اراده ملی که نقش روح و روان بدن را ایفا می‌کنند، با تضعیف روحیه جامعه و نیروهای مسلح از طریق جنگ نرم میان مردم و حاکمیت شکاف ایجاد می‌شود و جامعه دچار انشقاق می‌گردد. مانند: عملیات روانی، پخش اعلامیه، شایعه‌سازی و...؛

۵. نیروهای عملیاتی که نقش سلول‌های دفاعی در بدن را ایفا می‌کنند که با انهدام آن‌ها نیروهای خط مقدم جبهه، پایگاه‌های عملیاتی و موانع پیشروی ارضی حذف می‌شوند. مانند: مراکز، پایگاه‌ها و قرارگاه‌های عملیاتی، پایگاه‌های موشکی، سایت‌های پدافند هوایی، پایگاه‌های هوایی و دریایی و... [۳].

لذا در طرح ریزی یک جنگ مهم‌ترین وظیفه، شناسایی مراکز ثقل کشور مورد تهاجم بوده و راهبرد انهدام مراکز ثقل بر این مبنا است که چنانچه این مراکز با دقت شناسایی و مورد هدف قرار گیرند، کشور مورد تهاجم در اولین روزهای جنگ طعم

شکست را چشیده و در کوتاه‌ترین مدت به خواسته‌های کشور مهاجم تن داده و تسلیم خواهد شد [۱۶]. در راهبرد مذکور مراکز ثقل به صورت پنج حلقه و به شکل دایره متحدالمرکزی می‌باشند که در نمودار ۱ نشان داده شده است:

نمودار ۱: حلقه‌های راهبردی واردن



منبع: [۲۲].

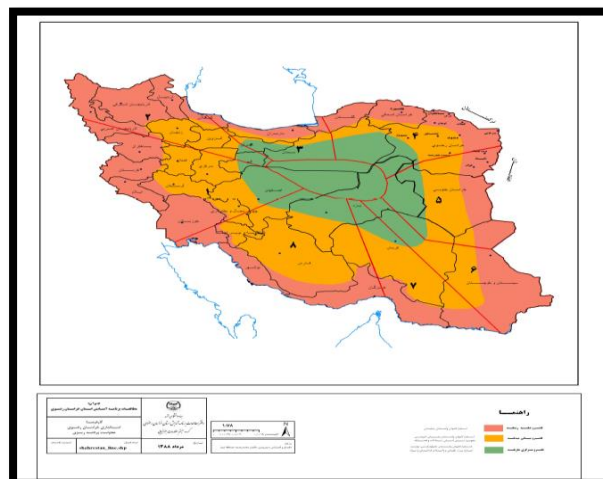
ساختار فضایی دکتر حافظ نیا

نظری ترسیم کرده که در آن فضای جغرافیایی ایران را به سه قلمرو ژئواستراتژیک به شرح زیر تقسیم نموده است:

۱. قلمرو حاشیه یا ریملند (Rimland)؛
۲. قلمرو سرزمین میانه یا میدلند (Midland) که بر مناطق مرتفع و به عبارتی بر اسکلت پیرامونی فلات ایران تطبیق دارد؛
۳. قلمرو سرزمین مرکزی یا هارتلند (Heartland).

سازمان فضایی بخش دفاعی ایران مانند سایر بخش‌های توسعه از یک نوع آشفتگی و آنارشی فضایی برخوردار است و چارچوب نظری سامانندی پشت سر آن قرار ندارد. از این‌رو، واحدهای نظامی در سطح فضا غالباً بدون نظم منطقی پراکنده‌اند [۱۵]. براین اساس دکتر محمدرضا حافظ نیا در رابطه با ساماندهی فضایی نیروهای مسلح ایران یک ساختار فضایی

نقشه ۱: ساختار فضایی پیشنهادی و تطبیق آن با استقرارگاه‌های نظامی



منبع: [۶].

متغیرهای مختلفی مانند: منبع، جهت و سطح تهدیدات یا مشخصات زمین را باید مکان‌یابی کرد؛ به‌طور مثال رقبای سنتی

• در اولین قلمروی ژئواستراتژیک که موسوم به حاشیه یا ریملند می‌باشد، واحدهای عملیاتی را با در نظر گرفتن پارامترها و

مطالعه تطبیق داده شود و تمامی پارامترها و عوامل محیطی، مکانی، سیاسی، امنیتی، ارتباطی و فرامرزی در آن لحاظ گردد و در نهایت ساختار ارتباطی مناسبی برای آن طراحی شود [۱۵].

منطقه مورد مطالعه

استان کرمانشاه در نیمه غربی کشور با ۲۵/۰۰۹ کیلومتر مربع مساحت معادل ۱/۵ درصد مساحت کل کشور بین مدار ۳۳ درجه و ۴۶ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۵ درجه و ۲۸ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۶ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. این استان از شمال به استان کردستان، از جنوب به استان‌های ایلام و لرستان، از شرق به استان همدان و از غرب ۳۷۱/۲ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد (۲۵۵/۴ کیلومتر مرز خشکی و ۱۱۵/۸ کیلومتر مرز آبی) [۲]. طبق آخرین آمار مربوط به سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت این استان، ۱ میلیون و ۹۵۲ هزار و ۴۳۴ نفر اعلام شده است، بیشترین تراکم نسبی جمعیت مربوط به شهرستان کرمانشاه است که بیش از ۵۰ درصد از جمعیت استان را در خود جای داده و کمترین آن مربوط به شهرستان قصرشیرین است. از این رو، توزیع فضایی جمعیت در استان کرمانشاه از تعادل و توزیع نسبی مناسب برخوردار نیست. براساس آخرین تقسیمات کشوری استان کرمانشاه به ۱۴ شهرستان، ۳۱ بخش، ۳۲ شهر، ۸۶ دهستان و ۳۱۵۲ آبادی تقسیم شده است که به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: شهرستان‌های اسلام آباد غرب، پاره، ثلاث باباجانی، جوانرود، دالاهو، روانسر، سرپل ذهاب، سنقر و کلیایی، صحنه، قصرشیرین، کرمانشاه، کنگاور، گیلان غرب و هرسین که هر یک جداگانه دارای بخش، شهر و دهستان‌های مختلف می‌باشند [۱۴]. موقعیت استان کرمانشاه از لحاظ وضعیت توپوگرافی و طرز قرار گرفتن ارتفاعات، شبکه آب‌های سطحی و شکل هندسی مرزها این امکان را برای این منطقه به وجود آورده است که همه نوع امکانات پدافندی و آفندی را در برداشته باشد. شکل هندسی مرز در این منطقه دارای ارزش‌های دفاعی ممتازی می‌باشد به گونه‌ای که در سرتاسر مرزهای ایران با کشورهای همسایه هیچ منطقه‌ای چنین امکاناتی را برای یک واحد عملیاتی (نظامی) فراهم ن ساخته است. زیرا شیب زمین از شرق به غرب به تدریج کم شده و دره‌ها تا داخل جلگه بین‌النهرین عراق ادامه می‌یابد در نتیجه از مرز به داخل ایران مواضع دفاعی و پدافندی مطلوبی را ارائه می‌کند [۱۹].

یا جدید روند تاریخی تهدیدات، تحولات سیاسی استراتژیک در پیرامون ایران، ساختار فیزیکی و کالبدی فضا نظیر جنس زمین، توپوگرافی، آب و خاک و ساختار انسانی فضا نظیر جمعیت، ترکیبات فضایی و قومی جمعیت، بنیادهای زیستی، دسترسی و ارتباطات، شکل هندسی و مشخصات مرز و سایر عناصر فضایی در مکان‌گزینی باید مدنظر قرار گیرد. در فضای جغرافیایی واحدهای سامانمندی وجود دارد که عناصر فضایی در بخش‌های مختلف آن تجلی پیدا کرده و از نوعی رابطه سامانمند با سایر عناصر فضایی برخوردارند. عناصر فضایی بخش دفاع و امنیت نیز از سایر بخش‌های فضایی توسعه ملی جدا نمی‌باشند و هماهنگ با آن‌ها مکان‌یابی باید شوند.

• در دومین قلمروی ژئواستراتژیک (میدلند)؛ فعالیت‌های حلقه پشتیبانی نظیر آموزش، تجهیز نیروی انسانی، تدارکات و لجستیک باید قرار گیرند.

• در سومین قلمرو یا هارتلند (بخش مرکزی)؛ باید واحدهای فناوری تولید و خدمات برتر نظیر صنایع نظامی و نیز بخش فرماندهی و ستاد، مکان‌یابی شده و استقرار پیدا کند [۶]. از سوی دیگر ساختار واحدهای نظامی ارتش را از نظر عملیاتی و نوع استقرار در فضا به چهار دسته کلی تقسیم نموده است:

۱. واحدهای عملیاتی و رزمی که در صف قرار می‌گیرند؛
۲. واحدهای پشتیبانی و خدمات رزم که پشت سر واحدهای عملیاتی و رزم قرار می‌گیرند؛
۳. واحدهای فناوری و تولید که اصولاً صنایع نظامی هم جزو این واحدها به حساب می‌آیند؛
۴. واحدهای فرماندهی و ستاد که در عمق سرزمین قرار می‌گیرند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این ساختار نظری، سه قلمرو ژئواستراتژیک با چهار حلقه یا حوزه از سازمان ارتش و بخش دفاع با یکدیگر تطبیق داده شده‌اند. به علاوه اینکه در این ساختار می‌توان مناطق دفاعی ترکیبی با قلمرو ژئواستراتژیک ویژه تعیین کرد. در این الگو هشت منطقه دفاع ترکیبی در سطح کشور قابل شناسایی است، لذا سازمان فضایی ارتش می‌تواند بر اساس آنها سازمان‌دهی گردد. در این ساختار هر یک از مناطق دفاع ترکیبی دارای سه لایه تطبیق یافته از قلمروهای ژئواستراتژیک و حوزه سازمانی ارتش می‌باشند. براساس ویژگی‌های فوق، هر منطقه در کشور دارای لایه‌های عملیاتی، پشتیبانی و فرماندهی و ستاد همراه با لایه فناوری و خدمات عالی است که به ترتیب از حاشیه به بخش مرکزی استقرار پیدا می‌کنند. انطباق الگوی فوق با ساختار فضایی از جنبه نظری برخوردار است و برای کاربردی کردن آن باید با محیط واقعی محدوده مورد

یافته‌های تحقیق

مبادی تهدید

در تحلیل تهدیدات نظامی مسئله مهم شناخت مبادی تهدید، بررسی و تحلیل آنها است. وقتی تهدیدی مطرح می‌شود برای انعکاس در زمینه جغرافیایی باید کانون و یا مبدا آن تعیین شود. بنابراین محدوده تحرک و فعالیت عامل تهدید می‌تواند خط یا نقطه مبدا تهدید را مشخص کند؛ به‌طور مثال چنانچه آب‌های خلیج فارس زمینه‌ای برای تحرک و فعالیت تهاجمی دشمن در نظر گرفته شود و نزدیک‌ترین حد این تحرک را نسبت به پهنه سرزمین، خط آب‌های ساحلی جنوب دانسته شود، در واقع خط مذکور به‌عنوان یکی از مبادی تهدیدات مطرح بوده و مبنای محاسبه تهدیدات و خطرات واقع می‌شود و در مرحله بعدی این محاسبات، توانمندی دشمن با استفاده از مبادی جغرافیایی تهاجم در قالب دسته بندی فواصل از این مبدا و ارزیابی بُرد سیستم تهاجم و تخریب مهاجم نسبت به این مبدا مدنظر قرار خواهد گرفت و براین اساس درجه بندی تهدیدات صورت می‌گیرد [۱۳].

با توجه به این‌که در این قسمت موضوع تهدیدات نظامی و تهاجم دشمن خارجی مطرح است، به‌طور طبیعی مرزهای کشورهای به‌طور عمده با همسایگان به‌عنوان مهم‌ترین مبدا تهدیدات نظامی و امنیتی مطرح هستند. براین اساس مرزهای ایران و همسایگان نیز می‌تواند به‌عنوان مبدا اصلی تهدید محسوب شود، البته درجه‌بندی این تهدیدات متفاوت خواهد بود. بررسی وضعیت تهدیدات مجاور ایران نشان می‌دهد که اگر قبل از انقلاب اسلامی ایران، فقط از نواحی شمال و غرب (شوروی و عراق) تهدید می‌شد، امروزه تهدیدات جدید علیه ایران شامل مجموعه اقداماتی است که به‌طور عمده از سوی آمریکا و اسرائیل با به‌کارگیری عناصر منطقه‌ای انجام می‌پذیرد [۵]. در بخش مبادی تهدید، عمده تهدیدات خارجی که متوجه کشور خواهد بود جنبه‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئوکالچری دارد از جمله: گسترش سرزمینی و جمعیتی یک گروه قومی در دو سوی مرز بین‌المللی، برداشت آب از بخش علیای رودخانه و... [۱۷]. همچنین رقابت دیرینه قومی و ملی‌گرایانه و تلاش برای صدور ارزش‌های فرهنگی و حمایت از هم‌کیشان در کشور همسایه بخشی از این فعالیت و عملکردها است [۲۰].

مبادی تهدید در استان کرمانشاه

استان کرمانشاه با تعدد و پراکندگی مذهبی شامل: ۶۷٪ شیعه، ۲۱٪ اهل تسنن و کمتر از ۱۲٪ جمعیت اهل حق از اهمیت سیاسی و امنیتی ویژه‌ای برخوردار است. از نظر جغرافیای سیاسی مجاورت با دو قسمت عربی و کُردی مرزهای عراق،

به‌طور طبیعی و به‌ویژه در شرایط بحرانی تبعات سیاسی- امنیتی خاصی برای استان کرمانشاه به همراه دارد. قسمت کُردی مرز با کشور عراق به طول حدود ۲۴۱/۲ کیلومتر با عواملی همچون: خودمختاری کردستان عراق و تبعات آن، فعالیت گروه‌های متعدد کُردی، ترددات مرزی و روابط خویشاوندی با اهالی مرزی ایران مواجه است و قسمت عربی مرز با کشور عراق به طول تقریبی ۱۳۰ کیلومتر با عواملی همچون وجود گروه‌های سنی، فعالیت گروه‌های تروریستی بنیادگرا، درگیری‌های مستمر در محدوده مرز و ناامنی‌های استان دیاله مواجه است لذا دارای اهمیت و حساسیت زیادی می‌باشد [۱۹]. این مسائل دارای خطرات و تهدیدات بالقوه‌ای برای استان کرمانشاه است که لازم است در آمایش دفاعی و مکان‌یابی مراکز و استقرارگاه‌های نظامی به آنها پرداخته شود. مهم‌ترین کانون‌هایی که برای استان کرمانشاه مبدا تهدید محسوب می‌شوند عبارتند از:

۱. کشور عراق.

۲. اقلیم کردستان.

۳. مرزهای بین‌المللی.

اما طراحان و عاملین تهدید نیز با منبع تهدیدات ارتباط مستقیمی دارند یعنی طراحان و عاملین تهدید، روش‌ها، شیوه‌های نظامی و نوع تسلیحات آن‌ها پاسخ به تهدید را مشخص می‌سازد [۸]. از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت استان کرمانشاه که همه نوع عملیات نظامی شامل: حملات هوایی، موشکی، توپخانه‌ای، زرهی، پیاده و پارتیزانی را در طول جنگ ۸ ساله تجربه کرده است و در معرض انواع تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها قرار دارد. برخی از عواملی که برای استان کرمانشاه منشا تهدید نیز محسوب می‌شوند عبارتند از:

۱. نیروهای آمریکایی.

۲. رژیم صهیونیستی.

۳. گروه‌های وهابی و سلفی.

۴. سازمان مجاهدین خلق.

۵. ناسیونالیسم قومی.

۶. گروهک پژاک که در تجزیه و تحلیل یافته‌ها به تشریح آنها پرداخته خواهد شد.

مهم‌ترین شاخص‌های آمایش مراکز و

استقرارگاه‌های نظامی

عوامل متعددی در آمایش دفاعی- امنیتی و مکان‌یابی استقرارگاه‌های نظامی دخالت دارند که تحلیل آن‌ها به‌وسیله روش‌های سنتی مکان‌یابی امکان‌پذیر نیست لذا مکان‌یابی مراکز نظامی را باید تابع معیارهایی دانست که نسبتی خاص با

۶. دارا بودن فاصله حداقل ۲۰ کیلومتری از مراکز متراکم جمعیتی و شهری.

۷. فاصله از ایستگاه‌های انتقال برق فشار قوی.

۸. فاصله از ایستگاه‌ها و لوله‌های انتقال گاز.

۹. فاصله از دالان‌های هوایی.

۱۰. فاصله از سدها و تصفیه‌خانه‌ها [۷].

با توجه به معیارهای فوق می‌توان بیان داشت که شاخص‌های فاصله از مراکز متراکم جمعیتی و شهری، فاصله از مرزهای بین‌المللی و فاصله از زیرساخت‌های مهم هر یک به میزان اهمیت، بیشترین حساسیت را در مکان‌یابی مراکز و استقرارگاه‌های نظامی در شرایط بحرانی دارند.

۲. شاخص‌های طبیعی (جغرافیایی)

عوارض طبیعی و جغرافیایی مانند: شیب و جهت آن، نزدیکی به خط گسل و کانون زلزله، فاصله از رودخانه‌ها و...؛ در پهنه‌بندی، پراکندگی، حوزه نفوذ، مورفولوژی و مانند آن همواره اثر قاطعی دارند که گاه به‌عنوان عاملی مثبت و زمانی به‌صورت عاملی منفی و بازدارنده عمل می‌کنند [۱]. در واقع این شاخص‌ها به دلیل ایستا بودن و عدم تغییر در کوتاه مدت از اهمیت بسیاری در مباحث مکان‌یابی برخوردارند به‌طوری‌که عدم توجه به آن‌ها می‌تواند تبعات منفی و خسارات جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد؛ به همین دلیل در این تحقیق به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر در نظر گرفته شده‌اند. شاخص‌های طبیعی عبارتند از: توجه به میزان و جهت شیب، فاصله از آبراهه یا مسیل، فاصله از کانون زلزله، فاصله از رودخانه و سنگ‌شناسی. با توجه به معیارهای فوق می‌توان بیان داشت شاخص‌های: میزان و جهت شیب، فاصله از آبراهه یا مسیل و فاصله از کانون زلزله هر یک به ترتیب میزان ضریب اهمیت، بیشترین اهمیت را در مکان‌یابی و آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی دارند [۷].

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

سطح اول تحلیل:

تشریح مبادی تهدید در استان کرمانشاه

در سطح اول تحلیل به تشریح هر یک از مبادی تهدید در استان کرمانشاه که به صورت تسری وار بر یکدیگر تاثیر گذار و منطبق می‌باشند، پرداخته خواهد شد:

۱. کشور عراق

کشور عراق طی دهه‌های گذشته همواره به‌مثابه یک تهدید نظامی - امنیتی عمده علیه ایران عمل کرده که بارزترین نمونه آن تحمیل جنگی هشت ساله به ملت ایران بوده است اما با حمله

شرایط آن‌ها در زمان جنگ و بحران می‌یابند. هر یک از این معیارها بر زیر معیارهایی اشاره دارند که مکان‌یابی مراکز نظامی را در حالت‌های خاص تحت تاثیر خود قرار می‌دهند. با توجه به روش و معیارهای مورد تحقیق برخی از مهم‌ترین شاخص‌ها در آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی عبارتند از: شاخص‌های انسانی و طبیعی که هر یک به‌نوبه خود دارای زیرمعیارهایی هستند. استقرارگاه‌های نظامی معمولاً علاوه بر دارا بودن شرایط عمومی جهت استقرار باید شرایط اختصاصی نیز در آن‌ها رعایت شود تا کمترین آسیب پذیری را در مقابل تهدیدات داشته باشند. از این‌رو در تعیین و پهنه بندی خطری که معمولاً متوجه مراکز نظامی مهم می‌گردد، باید به الزامات دفاعی - امنیتی، مقررات و ضوابطی که صاحب‌نظران برای تاسیسات، تجهیزات و ساخت این مراکز طراحی کرده‌اند، توجه نمود. همچنین پهنه بندی آسیب پذیری مکانی زیرساخت‌های نظامی را می‌توان تابع معیارهایی دانست که نسبتی خاص با شرایط منطقه در وضعیت تهدید و در ابعاد انسانی و طبیعی دارند که موضع یابی نقاط تهدید در مواقع بحران را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند [۱].

۱. شاخص‌های انسانی

در تعیین و پهنه بندی خطری که معمولاً متوجه مراکز نظامی و مهم می‌گردد، توجه به الزامات امنیتی و رعایت شاخص‌های انسانی از جمله: ویژگی‌های جمعیتی، نظر کارشناسان و صاحب‌نظران و مقررات و ضوابط ساخت تاسیسات و تجهیزات باید توجه کرد. در واقع از آنجایی که برخی از کاربری‌ها و زیرساخت‌ها می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین مقاصد حملات و یورش‌های دشمن به شمار آیند، بالطبع می‌توانند اهمیتی دو جانبه نیز یابند؛ چراکه از یک‌سو از بین رفتن و انهدام این قبیل مراکز بسته به نوع آنها حیاتی، حساس و یا مهم می‌تواند آثار و تبعات گسترده‌ای در مقیاس ملی و منطقه‌ای بر جای گذارند و از سوی دیگر آسیب دیدن چنین مراکزی می‌تواند ضمن وارد ساختن ضرر در حوزه کلان اقتصادی، ساختار صنعتی و تولیدی منطقه را فلج سازد و نارضایتی‌های عمومی را نیز تشدید نماید.

برخی از مهم‌ترین ملاحظات و شاخص‌های انسانی در آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی عبارتند از:

۱. فاصله مناسب از شبکه ارتباطی راه‌های اصلی.

۲. فاصله از مراکز صنعتی و معادن.

۳. فاصله از فرودگاه‌ها و پایانه‌های مسافربری.

۴. فاصله حداقل ۱۰۰ کیلومتری از مرزهای بین‌المللی.

۵. عدم مجاورت با زیرساخت‌های مهم از جمله: نیروگاه‌ها،

پالایشگاه‌ها، کارخانه‌های بزرگ و حیاتی.

استفاده از مبادی جغرافیایی تهاجم در قالب دسته بندی فواصل از این مبدا و ارزیابی بُرد سیستم تهاجم و تخریب مهاجم نسبت به این مبدا مدنظر قرار خواهد گرفت و براین اساس درجه بندی تهدیدات صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه در این بحث موضوع تهدیدات نظامی و تهاجم دشمن خارجی مطرح است، به‌طور طبیعی مرز با همسایگان به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین مبدا تهدیدات نظامی - امنیتی مطرح است البته درجه بندی تهدیدات نیز متفاوت خواهد بود. همانطور که ذکر شد بررسی وضعیت تهدیدات پیرامون استان کرمانشاه نشان می‌دهد امروزه تهدیدات نوین شامل مجموعه اقداماتی است که به‌طور عمده از سوی آمریکا و اسرائیل با به‌کارگیری عناصر منطقه‌ای انجام می‌شود و با توجه به اینکه محدوده مورد مطالعه استان کرمانشاه است لذا در بخش مبادی تهدید، مرزهای بین‌المللی، کشور عراق و اقلیم کردستان به‌عنوان مبادی تهدید مطرح هستند و حضور نیروهای آمریکایی، انگلیسی و... در عراق نیز تهدیدات امنیتی هستند که از سوی این مبادی متوجه امنیت استان کرمانشاه خواهد بود.

۴. نیروهای آمریکایی

هر چند طی چند سال اخیر تعداد نیروهای نظامی آمریکایی در کشور عراق کاهش یافته است اما بسیاری از فعل و انفعالات کشور عراق همچنان از حضور آن‌ها ناشی می‌شود. هدف اصلی آنها از حضور در این کشور، تصرف چاه‌های نفت و مبنایی برای عملیات در سوریه و کنترل چاه‌های نفت آن است لذا بیشتر فعالیت آن‌ها سمت و سوی اطلاعاتی و تجهیز و سازمان‌دهی گروه‌های تروریستی برای راه‌اندازی جنگ‌های نیابتی به منظور کنترل نفت منطقه دارد. بنابراین در آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی استان کرمانشاه تهدیدات ناشی از حضور نیروهای نظامی آمریکا در کشور عراق باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

۵. رژیم صهیونیستی

رژیم اشغالگر صهیونیستی یکی از تهدیدات عمده برای امنیت خاورمیانه به حساب می‌آید اما به دلیل فقدان عمق استراتژیک، دامنه نفوذ ارتش آن محدود به مرزهای داخلی و سرزمینی آن است لذا از نظر زمینی تهدیدی برای امنیت ج.ا.ایران به حساب نمی‌آید چراکه کیلومترها از یکدیگر فاصله فیزیکی دارند و رویارویی آن‌ها مستلزم تصرف خاک دو کشور عراق و اردن است بنابراین، جنگ زمینی به صورت مستقیم میان آنها عملی نیست اما با توجه به قدرت نیروی هوایی این رژیم لازم است راهبرد پدافند غیرعامل به‌ویژه پراکندگی، استتار، دفاع و حفاظت از زیرساخت‌ها و دارایی‌های مهم در آمایش دفاعی کشور و استان کرمانشاه مورد توجه قرار گیرد.

ایالات متحده آمریکا و نیروهای ائتلاف و فروپاشی حزب بعث در سال ۲۰۰۳ م (۱۳۸۱ش) به نظرمی‌رسد که حداقل تا آینده قابل پیش‌بینی، تهدیدات نظامی از ناحیه این کشور کاهش یابد و یا فاقد ویژگی‌های تهاجمی شدید و تهدید آمیز باشد اما مسائل امنیتی مهم‌تری در این کشور ظهور و بروز یافته است به عبارتی تهدیدات تغییر شکل و ماهیت داده‌اند. شرایط جدید کشور عراق به شکل‌گیری تهدیدات نوینی علیه ایران منجر شده که در این خصوص می‌توان به تشدید تنش‌های قومی - مذهبی، افراط‌گرایی و تروریسم در عراق و احتمال سرایت آن به مرزهای کشور و استان کرمانشاه اشاره کرد. لذا کشور عراق همواره یک تهدید بالقوه نظامی - امنیتی برای استان کرمانشاه محسوب می‌شود که لازم است آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی استان کرمانشاه متناسب با سطح و نوع تهدیدات، وضعیت سیاسی این کشور و تحولات امنیتی پیرامون مرز برنامه ریزی و عملیاتی گردد.

۲. اقلیم کردستان

اقلیم کردستان آن بخش از کشور عراق است که به دنبال جنگ جهانی اول در داخل مرزهای این کشور واقع شد. بیشتر ساکنین این ناحیه کُرد هستند. اقلیم کردستان با مرکزیت اربیل شامل تمامی چهار استان اربیل، سلیمانیه، دهوک، دیاله، تمامی شهرستان‌های استان موصل به‌جز مرکز استان و نیز شهرستان‌های حلبچه، خانقین، مندلی، کفری، ناحیه بَلدروز از استان دیاله و همین‌طور شهرستان بَدَره از استان واسط (کوت) می‌شود. با توجه به تحرکات و تحولات قومی در کردستان عراق باید گفت آن‌ها به دنبال خودمختاری و موجودیت مستقل در این منطقه هستند که برای رسیدن به آرمان کردستان بزرگ، سایر کردهای منطقه را نیز تحریک می‌نمایند لذا تحولات این کانون جغرافیایی علاوه بر فرصت‌هایی که در عرصه‌های مختلف هویتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای استان کرمانشاه دارد تهدیدات نظامی و امنیتی متعددی نیز از ناحیه فعالیت احزاب و گروه‌هایی شامل گروهک‌های کومله، دمکرات و پژاک و جرائم سازمان یافته مانند: قاچاق سلاح و مهمات، کالا و مشروبات، ترددات غیرمجاز و... برای این استان دارد که در آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی به صورت ویژه باید مدنظر قرار گیرد.

۳. مرز بین‌المللی

اگر دو حوزه عراق و اقلیم کردستان زمینه‌ای برای تحرک و فعالیت تهاجمی دشمن در نظر گرفته شود، نزدیک‌ترین حد این تحرک نسبت به پهنه سرزمینی استان کرمانشاه را مرزهای بین‌المللی آن می‌توان دانست. درواقع خط مذکور به‌عنوان یکی از مبادی تهدید مطرح بوده و مبنای محاسبه تهدیدات و خطرات واقع می‌شود و در مرحله بعدی این محاسبات، توانمندی دشمن با

۶. وهابیت و سلفی گری

جریانات وهابیت و سلفی گری از جمله تهدیدات امنیتی است که امروزه بسیاری از کشورهای منطقه مانند کشور عراق را در بر گرفته است. این موضوع سبب شده استان کرمانشاه به عنوان همسایه شرقی عراق از گزند این تهدید در امان نباشد. براساس گزارش دستگاه‌های اطلاعاتی و انتظامی استان کرمانشاه، به لحاظ تاریخی کُردهای ایران برای اولین بار از طریق کُردهای عراقی با تفکر سلفیت به صورت نزدیک آشنا شدند و در حال حاضر در استان کرمانشاه هواداران این تفکر بیشتر در شهرهای جوانرود، روانسر، پاره، سرپل ذهاب و کرمانشاه فعالیت دارند که می‌توانند نقش تسهیل گر در تحریک عامه اهل سنت را در این مناطق ایفا نمایند اما آنچه اهمیت موضوع را جدی تر می‌کند این است که قریب به ۲۱٪ جمعیت استان کرمانشاه را اهل سنت تشکیل می‌دهد که غالباً در شهرها و روستاهای مرزی زندگی می‌کنند و به آن سوی مرز دسترسی دارند.

هم‌مرزی با اقلیم کردستان ارتباط با گروه‌های سلفی و پذیرش این تفکر را تسهیل می‌کند. لذا سلفی گری تهدیدی راهبردی علیه امنیت استان کرمانشاه به حساب می‌آید زیرا گروه‌های سلفی راهبرد تقابل میان قومیت ایرانی و مذهب شیعه با قومیت عربی و مذهب اهل تسنن را مطرح می‌کنند. هرچند با عنایت به قدرت نظامی - امنیتی ج.ا.ایران سناریوی تهدید نظامی گروه‌های تکفیری کمی دور از ذهن است و تاکنون نتوانسته‌اند اقدام خاصی انجام دهند اما تهدیدات ناشی از آن‌ها در آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

۷. سازمان مجاهدین خلق

این سازمان یکی از تهدیدات مهم برای نظام ج.ا.ایران است. آن‌ها پس از جنگ تحمیلی، پنج هزار نیروی خود را در قالب عملیات فروغ جاویدان به منظور تصرف کشور طرح ریزی و اجرا نمودند و با عبور از شهرهای مرزی قصر شیرین، سرپل ذهاب، کرد و اسلام آباد غرب عملیات خود را آغاز کردند در مقابل نیروهای خودی نیز برای دفع تهاجم عملیات مرصاد را در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۵ طرح ریزی و اجرا نمودند. متأسفانه در این عملیات از ظرفیت‌های ژئواستراتژیکی، عوارض سدکننده و سایر ویژگی‌های طبیعی و انسانی استان کرمانشاه استفاده نشد. اما این تجربه تلخ آموزه‌هایی داشت و آن این بود که در آینده آمایش دفاعی - امنیتی هر منطقه متناسب با شرایط محیطی آن منطقه و با رعایت تمامی جوانب برنامه ریزی شود زیرا تمرکز بیش از حد در یک منطقه جغرافیایی و بی‌توجهی به سایر مناطق، سیستم دفاعی کشور را با تهدیدات اساسی روبرو خواهد کرد لذا تهدیدات ناشی از فعالیت این سازمان در آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

۸. ناسیونالیسم قومی

قومیت‌گرایی و ناسیونالیسم قومی منبعی مهم برای شروع منازعات داخلی و بین‌المللی بوده است و مثلث متشکل از دولت، نخبگان قومی و نیروهای بین‌المللی از جمله عوامل ظهور و بروز ناسیونالیسم قومی تجزیه طلبانه می‌باشند.

استان کرمانشاه نیز از این وضعیت مستثنی نیست اما علیرغم امتداد آرا مرزنشینان استان کرمانشاه با خارج از مرزها مردم این منطقه نسبت به آنچه در استان‌های کردستان و آذربایجان غربی اتفاق می‌افتد و سابقه تاریخی آن وجود دارد همدلی سیاسی و همراهی نشان نداده‌اند و این موضوع تا حدودی با استان کرمانشاه تناسب ندارد اما ناسیونالیسم قومی به‌عنوان یک ملاحظه در آمایش دفاعی باید مورد توجه قرار گیرد.

۹. گروهک پژاک

گروهک پژاک در بطن تحولات ساختاری حزب پ.ک.ک در ترکیه شکل گرفت اما ناسامانی‌های امنیتی استان‌های غربی کشور نیز بر آغاز عملیات این گروهک و شدت بخشیدن به آن تأثیرگذار بوده است. آنچه در ارتباط با استان‌های در معرض تهدیدات تروریستی گروهک پژاک می‌بایست مورد نظر قرار گیرد این است که بخش عمده‌ای از فرایند جذب نیرو از سوی گروهک پژاک از میان جوانان و نوجوانان روستاهای مرزی صورت می‌گیرد و در این میان سهم تحصیل کرده‌های بیکار، افراد فاقد شغل مناسب و یا با درآمد بسیار ناچیز و نیز دختران روستایی درصد قابل توجهی است. اگرچه گستردگی عملیات نظامی گروهک پژاک در استان کرمانشاه همچون استان‌های کردستان و آذربایجان غربی نیست اما سیاست‌های تفرقه‌افکنانه و ایجاد تضادهای هویتی به‌عنوان یک راهبرد کلی همچنان به قوت خود باقی است. بنابراین ضروری است راهبرد توسعه متوازن، عدالت اقتصادی، اجتماعی و... که لازمه تحقق امنیت پایدار است در دستور کار مسئولین و برنامه ریزان استان کرمانشاه قرار گیرد و تهدیدات این گروهک در آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی به ویژه در پاسگاه‌ها و پایگاه‌های مناطق مرزی استان کرمانشاه مورد توجه قرار گیرد.

سطح دوم تحلیل:

مناطق مورد تهدید در استان کرمانشاه براساس

تئوری واردن

بررسی و شناخت مناطق و اهدافی که در معرض تهدیدات نظامی بوده و به‌واسطه آن‌ها در معرض خطر و نابودی قرار می‌گیرند، محور مهمی در تحلیل ملاحظات دفاعی - امنیتی در طرح‌های آمایشی می‌باشد زیرا براساس تئوری واردن اولین

قرار دارند که بسیار خطرناک بوده و ایجاب می‌کند به مکان‌های دیگری منتقل شوند.

در ادامه با توجه به تئوری پنج حلقه‌ای واردن، مناطق مورد تهدید در استان کرمانشاه که به پهنه‌هایی با درجات استقرار پذیری متفاوت دسته بندی شده اند، تشریح می‌گردد:

۱. بخش مرکزی استان کرمانشاه یعنی شهرستان کرمانشاه و حومه شرقی آن به لحاظ هم‌جواری با مراکز متراکم جمعیت، تراکم مراکز سیاسی و اداری، تراکم زیرساخت‌های صنعتی، تراکم واحدهای تولید انرژی و مراکز ارتباطی، حجم بالای خطوط مواصلاتی و فرودگاه‌ها و... بیشترین خطرپذیری را دارد که انهدام یا از بین رفتن این مرکز آثار و تبعات گسترده‌ای در سطح ملی و منطقه‌ای دارد و موجب نارضایتی‌های عمومی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... می‌گردد. این منطقه در شکل ۴ بارنگ قرمز مشخص شده است.

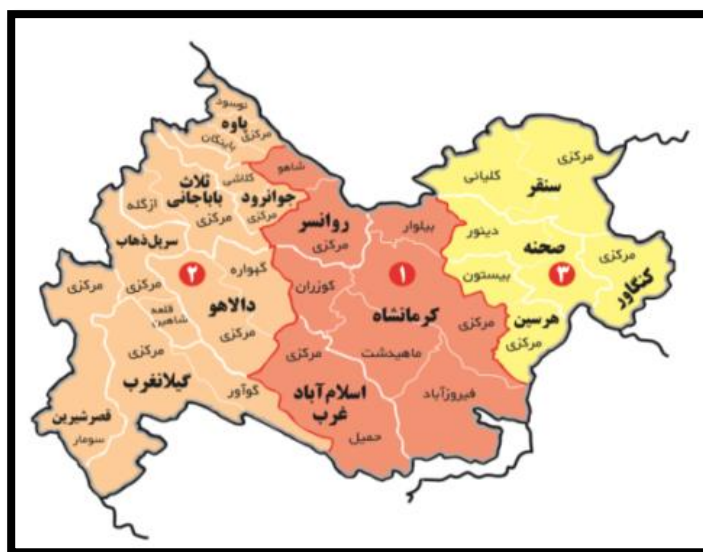
۲. پهنه غربی، شمال غرب و جنوب غرب استان شامل: منطقه اورامانات، سرپل ذهاب، قصرشیرین، گیلانغرب و قصرشیرین به لحاظ ویژگی‌های مذهبی، هم‌جواری با مرز، کشور عراق و اقلیم کردستان و نیز مبادی تهدید دومین خطرپذیری را دارد که در شکل ۴ بارنگ نارنجی مشخص گردیده است.

۳. پهنه شرقی و شمال شرقی استان یعنی شهرستان‌های هرسین، صحنه، کنگاور و سنقر و سنقر و کلیایی به لحاظ دوری از مرزهای بین‌المللی و کانون‌های تهدید سومین خطرپذیری را دارد که در شکل ۴ بارنگ زرد مشخص شده است.

اهداف مورد نظر دشمن در حمله و تهاجم نظامی به یک کشور، شناسایی مراکز ثقل و استقرارگاه‌های نظامی آن کشور، مراکز جمعیتی، تاسیسات زیربنایی و مراکز حساس و حیاتی است که از صحنه نبرد دور بوده و نابودی آن‌ها نقش مهمی در شکست دشمن ایفا می‌کند. راهبرد انهدام مراکز ثقل بر این مبنا است که چنانچه این مراکز با دقت شناسایی و مورد هدف قرار گیرند، کشور مورد تهاجم در اولین روزهای جنگ، طعم شکست را چشیده و در کوتاه‌ترین مدت به خواسته‌های کشور مهاجم تن داده و تسلیم خواهد شد. لذا رعایت ملاحظات دفاعی-امنیتی مراکز ثقل باید قبل و در زمان احداث و استقرار در نظر گرفته شود.

در استان کرمانشاه کانون و ثقل تهدیدات، مرکز آن محسوب می‌شود که در اثر تهاجم دشمن آسیب‌های جدی خواهد دید. نتایج تحقیق و بررسی‌ها نشان می‌دهد، برخی از استقرارگاه‌های نظامی (پادگان‌ها، مراکز آموزش و...) که در گذشته جزو محدوده خارج از شهر بوده اند امروزه در داخل شهر کرمانشاه قرار دارند لذا یک هدف نظامی عمده برای دشمن به حساب می‌آیند. از این رو، از لحاظ آمایش دفاعی توصیه می‌شود این‌گونه مراکز و استقرارگاه‌های نظامی به خارج از شهر انتقال پیدا کنند و همچنین در ایجاد و جابه‌جایی کارخانه‌جات و صنایع نظامی تدابیری اندیشیده شود. این تدابیر از دو جهت صورت گیرد: ۱. بعضی از این تاسیسات در مکان‌های فعلی خود از بازدهی مناسبی برخوردار نیستند و ضرورت دارد کاربری آن‌ها تغییر پیدا کند. ۲. بعضی از صنایع مهمات سازی و تسلیحاتی در داخل شهر یا در محدوده آن

شکل ۱: تقسیم بندی مناطق مورد تهدید در استان کرمانشاه براساس تئوری واردن



منبع: نگارندگان.

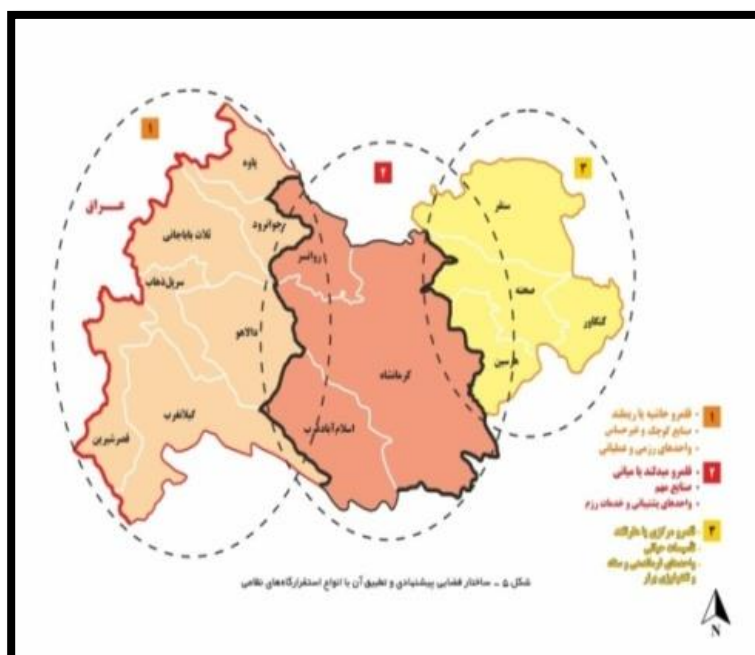
سطح سوم تحلیل

آمایش فضایی مراکز و استقرارگاه‌های نظامی استان کرمانشاه

برای کاربردی کردن آمایش فضایی مراکز و استقرارگاه‌های نظامی استان کرمانشاه براساس نظریه دکتر حافظ نیا، ابتدا باید آن را با محیط واقعی تطبیق داد و تمامی پارامترها و عواملی که در قسمت شاخص‌ها برای آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی ذکر شد، لحاظ گردد و ساختار ارتباطی مناسبی برای آنها طراحی گردد. برای تطبیق این ساختار فضایی ابتدا هر کدام از واحدها و استقرارگاه‌های نظامی استان برحسب ماهیت، نوع فعالیت و کارکرد باید تقسیم بندی و طبقه بندی شوند و در محدوده خاصی از استان کرمانشاه استقرار پیدا کنند. بر این اساس در اولین قلمرو ژئواستراتژیک استان کرمانشاه که منطبق بر نواحی مرزی موسوم به حاشیه یا ریملند است واحدهای عملیاتی و رزمی را می‌توان مکان‌گزینی و مستقر نمود در این لایه توجه به شاخص‌ها و سایر ساختارهای فیزیکی و کالبدی فضا نظیر: جنس زمین، توپوگرافی، آب و خاک (ظرفیت‌های ژئواستراتژیکی) و نیز ساختار انسانی فضا نظیر: ترکیبات قومی و مذهبی جمعیت ساکن در پیرامون مرز، شکل هندسی مرز، دسترسی و ارتباطات بسیار ضروری است تا در مواقع بروز جنگ و بحران قابلیت دفاع سریع از مرزها فراهم شود و آسیب‌پذیری‌ها کمتر گردد. در این لایه از ساختار فضایی به دلیل موقعیت مرزی و وجود طیف گسترده تهدیدات، استقرار

واحدهای نظامی نظیر فرماندهی و ستاد و همچنین واحدهای تولید برتر و صنایع نظامی با محدودیت مواجه است. در دومین قلمرو ژئواستراتژیک استان کرمانشاه موسوم به میدلند که منطبق بر بخش میانی و شهرستان‌های مرکزی استان است واحدهای نظامی و پشتیبانی نظیر: آموزش، تجهیز نیروی انسانی، تدارکات و لجستیک را می‌توان مستقر نمود. این مکان‌گزینی با توجه به دوری از مرز و تحولات پیرامون آن است اما تمرکز مراکز اداری-سیاسی، صنایع و تاسیسات مهم استان کرمانشاه در این قلمرو، سبب آسیب‌پذیری این لایه شده که ضروری است مدنظر کارشناسان آمایش نظامی قرار گیرد و در سومین قلمرو ژئواستراتژیک استان کرمانشاه که منطبق بر بخش‌های شرقی و شمال شرق استان و موسوم به هارتلند است واحدهای فناوری تولید و خدمات برتر صنایع نظامی و نیز بخش فرماندهی و ستاد را با توجه به رعایت شاخص‌های آمایش مراکز نظامی می‌توان مستقر نمود. این مکان‌گزینی به علت فاصله قابل توجه از مرزهای بین‌المللی، دوری از مراکز عمده جمعیتی و صنایع و تاسیسات مهم، ویژگی قومی و مذهبی همگن، بهره‌برداری حداکثری از عمق سرزمینی استان کرمانشاه و سایر عناصر فضایی آن است. شکل زیر که از جنبه نظری برخوردار است ساختار فضایی پیشنهادی برای آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی استان کرمانشاه را نشان می‌دهد.

شکل ۲: ساختار فضایی پیشنهادی و تطبیق آن با انواع استقرارگاه‌های نظامی در استان کرمانشاه



منبع: نگارندگان.

نتیجه‌گیری

نوآوری این مقاله نسبت به سایر مقالات آمایشی، ارائه مفهومی جدید از تلفیق معیارها و شاخص‌های انسانی و جغرافیایی با مفاهیم آمایش دفاعی - امنیتی است. در کل مطالب ارائه شده گویای آن است که هرگونه آمایش دفاعی - امنیتی برای استقرار مراکز و تاسیسات نظامی بدون توجه به وضعیت محیط پیرامونی، مبادی تهدید و نیز ساختار انسانی فضا نظیر: ترکیبات قومی و مذهبی و سایر عناصر فیزیکی و کالبدی فضا امکان پذیر نیست و تاثیر چندانی در کاهش آسیب پذیری‌ها و افزایش قابلیت‌های دفاعی در مواقع جنگ و بحران نخواهد داشت. این مهم برای استانی با ویژگی‌های استان کرمانشاه که با طیفی از تهدیدات داخلی و خارجی مواجه است اهمیت بیشتری دارد. به‌طور کلی باید گفت فرایند استقرار و مکان‌یابی مراکز و استقرارگاه‌های نظامی استان کرمانشاه، همچنین واحدهای تولید، صنایع و کارخانه‌های استراتژیک شامل: پتروشیمی‌ها، ذوب آهن، صنایع غذایی، زیرساخت‌ها و دارایی‌های مهم از یک الگوی نظری سامانمند تبعیت نمی‌کند و از نوعی آشفتگی برخوردار است که در شرایط کنونی باید با انجام اقدامات مختلف از جمله: پدافند غیرعامل، تغییر برخی کاربری‌ها و سایر اقدامات اصلاحی، مانع از آسیب پذیری این مراکز در مقابل حملات و تهاجمات نظامی احتمالی شد همچنین نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان می‌دهد که عمده مراکز و تاسیسات نظامی استان کرمانشاه در نزدیکی مراکز متراکم جمعیتی، شهری و صنعتی، اداری و سیاسی و پیرامون خطوط اصلی مواصلاتی، خطوط انتقال انرژی و... به صورت متراکم و پیوسته در قلمرو میانی استان کرمانشاه مکان‌گزینی و استقرار یافته‌اند و اینکه چه عواملی در مکان‌گزینی آنها دخالت داشته است مشخص نیست لذا براساس تئوری واردن و پهنه بندی مناطق خطر، جزو مناطق با استقرار پذیری نامناسب و پر خطر لایه بندی شده است در حالی که در این لایه بیشتر فعالیت‌های مربوط به خدمات رزم و پشتیبانی رزم آن باید مستقر گردد. مناطق پیرامونی مرزهای استان کرمانشاه شامل: غرب، شمال غرب و جنوب غرب که در حلقه اول مواجه با کانون‌های تهدید قرار دارد با توجه به شرایط مورفولوژیکی، انسانی و اجتماعی و همین‌طور وسعت و طول مرزهای استان کرمانشاه، واحدهای نظامی کمتری با ویژگی‌های عملیاتی و رزمی در این قلمرو مستقر شده که نوعی خلأ دفاعی - امنیتی محسوب می‌شود لذا با توجه به ویژگی‌های ژئواستراتژیکی ضرورت دارد در بخش شمالی مرزهای استان یگان‌های رزمی و عملیاتی سبک و پارتیزانی و متناسب با رزم کوهستان و در قسمت‌های جنوبی مرز یگان‌های عملیاتی مکانیزه و زرهی مستقر شود تا در صورت وقوع بحران، امکان دفاع سریع از مرزها فراهم شود و آسیب

پذیری‌ها کمتر گردد.

قلمرو سوم که شامل مناطق شرقی و شمال شرقی یا هارتلند استان کرمانشاه می‌شود به علت دوری از مرزهای بین‌المللی، واقع شدن در عمق سرزمینی، ویژگی‌های طبیعی و نیز ظرفیت‌های انسانی آن می‌توان از آن برای مکان‌گزینی و استقرار واحدهای ستاد و فرماندهی، صنایع و فناوری برتر حداکثر بهره‌برداری را برد هر چند این مهم کمتر مورد توجه کارشناسان آمایش دفاعی قرار گرفته است لذا ضرورت دارد به منظور ساماندهی متعادل فضایی از تمرکز بیش‌ازحد اماکن و مراکز سیاسی، اداری، صنایع و تاسیسات در قلمرو میانی استان کرمانشاه کاسته شود و بخشی از امکانات و دارایی‌های مهم با رعایت شاخص‌های آمایش مراکز و استقرارگاه‌های نظامی به این قلمرو ژئواستراتژیک منتقل گردد.

تشکر و قدردانی: نویسنده از حمایت‌های دانشگاه تربیت مدرس به‌ویژه فصلنامه علمی - پژوهشی آمایش سیاسی فضا کمال تشکر و قدردانی را دارد.

تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان و منابع مالی/حمایت‌ها: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

۱. پاشا زاده، منوچهر؛ سیدین، افشار و پارسایی مقدم، مهدی. (۱۳۹۶). تحلیل نقاط بهینه استقرارگاه‌های نظامی برمبنای ملاحظات دفاعی - امنیتی با استفاده از GIS (مطالعه موردی: استان اردبیل). فصلنامه مدیریت انتظامی، سال هفدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، صص ۲۳-۵۱.
۲. پورمحمدی، محمدرضا و ملکی، کیومرث. (۱۳۹۵). پدافند غیرعامل؛ استراتژی‌های توسعه و امنیت منطقه شهری. تهران: انتشارات موسسه نشر شهر با همکاری معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، چاپ اول زمستان.
۳. پوری رحیم، علی‌اکبر و شهردار، شهاب‌الدین. (۱۳۹۰). ملاحظات مکان‌یابی و آمایش دفاعی در سازه‌های مدفون. مجموعه مقالات سومین همایش ملی پدافند غیرعامل، دانشگاه ایلام، ۸ الی ۸ اردیبهشت ماه.
۴. جلالی فراهانی، غلامرضا. (۱۳۹۱). چهار گفتار در باب پدافند غیرعامل، تهران: انتشارات نقش یاس.
۵. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۷۹). ژئوپلیتیک جدید ایران در جهان پس از جنگ سرد، مجموعه مقالات جغرافیا و کاربردهای دفاعی امنیتی. پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام

- حسین(ع).
۶ حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). رابطه متقابل امنیت و دفاع با آمایش سرزمین؛ مجموعه مقالات آمایش و دفاع سرزمینی. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین(ع).
۷ چوخاچی زاده مقدم، م. ب. آمایش و دفاع سرزمینی. مجموعه مقالات آمایش و دفاع سرزمینی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۸۱.
۸ ربیعی، علی. (۱۳۸۳). مطالعات امنیت ملی، مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم. چاپ دوم، انتشارات: وزارت امور خارجه.
۹ رهنمایی، م. ت. آمایش سرزمین و کاربردهای دفاعی. مجموعه مقالات آمایش و دفاع سرزمینی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۸۱.
۱۰ زرقانی، هادی و اعظمی، هادی. (۱۳۹۰). تحلیل ملاحظات نظامی- امنیتی در آمایش و مکان‌گزینی مراکز و استقرارگاه‌های نظامی با تاکید بر استان خراسان رضوی. مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره ۱۸.
۱۱ سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمانشاه. (۱۳۹۶). مطالعات طرح آمایش استان کرمانشاه. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمانشاه، کرمانشاه.
۱۲ سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان رضوی. (۱۳۸۸). مطالعات طرح آمایش خراسان رضوی. سازمان مدیریت و برنامه ریزی خراسان رضوی، خراسان رضوی.
۱۳ سالاری فر، م. پدافند غیرعامل در آمایش استقرار صنایع نظامی. مجموعه مقالات آمایش و دفاع سرزمینی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۸۱.
۱۴ سالنامه آماری استان کرمانشاه. (۱۳۹۵).
۱۵. سهامی، حبیب‌الله. (۱۳۸۶). آمایش و مکان‌یابی. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
۱۶. شیخ‌زاده، رجبعلی؛ محمدی، مهدی؛ دهباشی، مهدیه و حسینی، سید رفیع. (۱۳۹۱). جنگ نرم و جایگاه پدافند غیرعامل در آمایش. اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی ج.ا.ایران، ۲۸ الی ۳۰ بهمن‌ماه، کد مقاله ۱۱۹۶.
۱۷. عزتی، عزت‌الله و میرزایی پور، هوشنگ. (۱۳۹۰). بررسی مناطق مرزی استان کرمانشاه با عراق و نقش آن در اهداف استراتژیک ایران. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره چهارم، پاییز، صص ۱۹-۳۳.
۱۸. عندلیب، علیرضا. (۱۳۸۰). نظریه پایه آمایش مناطق مرزی. تهران، دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۱۹. کاظمی، شکرالله و امیری، غلامرضا. (۱۳۸۸). راهنمای مدیریت انتظامی استان کرمانشاه. تهران: نیروی انتظامی ج.ا.ایران، معاونت آموزش ناجا، اداره کل منابع و متون درسی، ۱۳۸۸.
۲۰. کریمی پور، یدالله. (۱۳۷۹). ایران و همسایگان منابع تنش و تهدید. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت‌معلم.
۲۱. ملکی، کیومرث. (۱۳۹۱). ارزیابی و تحلیل آسیب‌پذیری کاربری‌های حساس شهر تبریز از منظر پدافند غیرعامل با تاکید بر بحران زلزله با استفاده از GIS. طرح تحقیقاتی همکاران بخش دفاعی سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، بهار.
۲۲. موحدی نیا، جعفر. (۱۳۸۶). اصول و مبانی پدافند غیرعامل. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.